

شاه چراغ

« در این موقع که بامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار است که گنبد شاه چراغ شیراز بتصدی جناب آقای مهران نیابت تولیت آستان قدس ساخته شود یقین داریم که خوانندگان میل دارند در باره این مزار محترم که مطاف شیعیان ناحیه بزرگی از ایران و نامش زبان زد خاص و عام ایران ماست اطلاعاتی داشته باشند از آقای منوچهری که این خدمت تاریخی را برای مجله ما انجام داده اند سیاستگزاریم.»

شرح زندگانی احمد بن موسی الکاظم (ع)

باید دانست که حضرت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) هفتمین پیشوای شیعیان جهان دارای فرزندان بسیار است. این شهر آشوب در مناقب خود میگوید. امام موسی بن جعفر (ع) فقط دارای سی فرزند است ولی صاحب عمدة الطالب میگوید آنحضرت را سی و هفت دختر و بیست و سه پسر بوده است که جمعا شصت نفر میشوند. شیخ مفید (ره) فرزندان آنحضرت را سی و هفت نفر ذکر میکند هیچکدام پسر و نوزده دختر و چون در اینجانب منظور ما از نوشتن این مقاله شرح زندگانی حضرت احمد بن موسی (ع) مشهور به شاه چراغ است از ذکر طول و تفصیل زندگانی سایر فرزندان آنحضرت خودداری کرده تنها بتذکار اسم آنان بترتیبی که مرحوم حاج شیخ عباس قمی صاحب سفینة البحار در منتهی الامال ذکر نموده است می پردازیم و سپس بخواست خدا بشرح زندگانی شاهزاده احمد (شاه چراغ) می پردازیم بنا بر این اولاد ذکور آنحضرت عبارتند از :

- ۱- هشتمین پیشوای شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ۲- ابراهیم بن موسی ۳- عباس بن موسی ۴- قاسم بن موسی ۵- اسمعیل بن موسی ۶- جعفر بن موسی ۷- هارون بن موسی ۸- حسن بن موسی ۹- محمد بن موسی ۱۰- حمزة بن موسی

۱۱- عبدالله بن موسی ۱۲- اسحق بن موسی ۱۳- عبیدالله بن موسی ۱۴- حسین بن موسی
 ۱۵- فضل بن موسی ۱۶- سلیمان بن موسی (۱)

و اولاد دختری آنحضرت عبارت است از :

۱- فاطمه کبری ۲- فاطمه صغری ۳- رقیه ۴- حکیمه ۵- ام اییها ۶- رقیه صغری
 ۷- کلثوم (یا کلثم بضم کاف و ثاء) ۸- ام جعفر ۹- لبانه ۱۰- زینب ۱۱- خدیجه ۱۲-
 علیه ۱۳- آمنه ۱۴- حسنه ۱۵- بریهه ۱۶- عائشه ۱۷- ام سلمه ۱۸- میمونه ۱۹- ام
 کلثوم (۲)

شاهزاده احمد بن موسی معروف بشاه چراغ که قبر مطهرش در داخل شهر شیراز
 است یکی از شانزده فرزند بسری امام موسی بن جعفر (ع) است در مورد تاریخ ولادت
 و چگونگی نشو و نما وی اطلاعات کافی در دست نیست ولی باتفاق کلیه مورخین وی
 دارای فضائل و کرامات بسیاری است که درخور مقام ولایت و امامت موروثی اوست.

مادر وی ام احمد از بانوان محترمه و مجلله زنان حضرت امام کاظم (ع)
 بود وی بانویی بود که در زهد و تقوی و عبادت تنها و بیگانه آن عصر محسوب میشد و
 بدیهی است که امام کاظم (ع) باو اعتماد تمام داشت و او مورد وثوق کامل آنحضرت بود
 چه همانطور که میدانید هنگامیکه امام کاظم (ع) بدستورهارون عباسی به بغداد جلب شد
 چون میدانست که آخرین سفر او است و دیگر بدین باز نخواهد گشت از میان همه بانوان
 ام احمد مادر شاهزاده احمد بن موسی (شاهچراغ) را انتخاب کرده و ودایع امامت
 را که عبارت بود از اشیاء موروثی بعد از پیغمبر (ص) باو سپرد و فرمود که هر گاه یکی
 از فرزندان من برای اولین مرتبه یعنی قبل از همه کس آنها را مطالبه کرد بدان که او
 جانشین من خواهد بود و اشیاء را باو بده. این مطلب گذشته از اینکه فضائل بی شمار امام
 احمد آن بانوی محترمه را اثبات می کند فرزندش یعنی شاهزاده احمد شاه چراغ را
 نیز متقی و متعبد و متعهد جلوه میدهد چون مسلم است که اگر فرزندی در دامان پرمهر
 مادری همچون ام احمد وزیر سایه پدری مثل امام موسی کاظم (ع) پرورش یابد و رشد
 و نموش در خاندان ولایت و عصمت بوده نشیب و فراز زندگی در مهبطوحی و مجلای انوار
 پاك امامت باشد چه خواهد بود و چه خواهد شد .

از طرفی پس از اینکه امام موسی بن جعفر (ع) ودایع امامت را نزد آن بانوی
 محترمه بامانت گذاشت و سفارش کرد که اولین شخصی که این اشیاء را مطالبه کند
 جانشین من و پیشوای مردم خواهد بود ام احمد چشم انتظار به فرزند ارشدش شاه چراغ
 که آنزمان مشهور به سیدالسادات بود داشت و این انتظار بطول انجامید و در عین

حال آن بانوی محترمه انتظارش نیز همراه باسیر زمان باقی بود و جز احمد بن موسی کسی را لایق کار امامت و مسئولیت سنگین ولایت نمیدانست ولی از آنجا که **الله اعلم** حیث **یجعل رسالته (۱)** حضرت **علی بن موسی الرضا (ع)** روزی از ام احمد اشیاء مزبور را مطالبه کرد و با اینکه مدتی بعد خبر شهادت امام هفتم در مدینه انتشار یافت ولی ام احمد، **امام رضا (ع)** را قبل از وصول خبر بمرک بدر تسلیت گفت و اشیاء مزبور را آورده و تحویل حضرت **علی بن موسی الرضا (ع)** داد و او را بنیل بمقام عالی امامت تبریک گفت و سپس بسر خود **احمد بن موسی** مشهور به سیدالسادات را باعده زیادی که در زمان حیات پدرش با او بیعت کرده بودند وعده آنها به بیست نفر میرسید بمتابعت از برادر گرامی اش وادار نمود .

اینکه میگوئیم بیست نفر البته در تواریخ وجود ندارد ولی میشود تعداد آنان را از مطلبی که شیخ مفید در مناقب خود می نویسد استفاده کردوی میگوید : خبر داد مرا شریف ابو محمد حسن بن محمد بن یحیی که گفت حدیث کرد مرا جدم که میگفت شنیدم از اسماعیل بن موسی (ع) که میگفت بیرون رفت پدرم با اولاد خود به بعضی از املاک خود در مدینه اسماعیل گفت که مادر آن مکان بودیم و همراه (احمد بن موسی) بیست نفر از خدم و وحشم پدرم بودند که اگر احمد می ایستاد آنها هم می ایستادند و اگر او می نشست آنها هم می نشستند (مقدمود از نشستن و برخاستن متابعت کامل است)

بسوی خراسان - برای دیدار برادر :

در مدت قلیلی که حضرت رضا (ع) در طوس قبول ولایت عهدی نمود سادات زیادی از بلاد ممالک عربی از قبیل عراق حجاز یمن و ... بعزم خراسان حرکت کردند ولی قبل از رسیدن بمقصد و در بین راه واقعه شهادت و قتل امام رضا (ع) بدست مامون پیش آمد قبل از نشر خبر قتل امام رضا (ع) از طرف مامون بامراء و حکامی که در مسیر سادات بودند دستور داده شد که دسته جمعی سادات را مقتول و یا اسیر کنند در اینجا لازم است یک نکته را تذکر داد و آن اینست : ساداتی که بطور دسته جمعی از ممالک نامبرده بسوی خراسان حرکت نمودند بطور کلی دودسته اند .

دسته اول : همراهان **فاطمه معصومه (س)** که عده آنها بیست و دو نفر ذکر شده (۲) و در حدود (ساوه - قم) مورد تجاوز و تعرض لشکر مامون واقع شده اند

۱- خدا دانا تر است که رسالتش را کجا قرار دهد سوره انعام آیه ۹۲۴

۲- بحر الانساب

دسته دوم - جماعتی که همراه احمد بن موسی بودند وعده آنها به دوازده هزار نفر (۱۲۰۰۰) میرسید و بدستور مامون - حاکم پارس یعنی «قتلغ خان» آنها را در شیراز محاصره کرده همه را مقتول و یا متفرق کرده اند. امامزاده احمد با ابراز شجاعت و دلیری تمام بشهادت رسید (۱)

ملکات نفسانی و خصائل روحانی شاه چراغ :

گر چه ملکات فاضله نفسانی و خصائل پاک روحانی شاهزاده احمد بن موسی بیش از این است که در این سطور بنگارش آید ولی برای خاتمه مقاله میبایست بدو اثر خالصانه وی اشاره کنم :

- ۱- در ارشاد شیخ مفید چنین میبینیم که (کان احمد بن موسی اعتق الف مملوک) این مطلب در منتهی الامال، ارشاد مفید، بدائع الانوار، آثار المجمع ۰۰۰ نیز هست یعنی شاه زاده احمد بن موسی هزار بنده در راه خدا آزاد ساخت .
- ۲- وی هزار جلد قرآن بخط خود تحریر فرمود دلب الانساب و منتخب التواریخ

پیدایش قبر شاه چراغ و علت ملقب شدنش به شاه چراغ :

بطوریکه از کتب تواریخ دستگیر میشود قبر مطهر آن شاهزاده جلیل القدر مدتها از نظر پنهان بود این ایام را میتوان یکی از بحرانی ترین دورانهای نامید که بر شیعیان و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت گذشته است البته این بحرین تا زمان پیدایش «دیلمیان» بطول کشید (دیلمیان) که خود از شیعیان و دوستان اهل بیت (ع) بودند اجازه فعالیت های بیشتری را به شیعیان دادند و شیعیان در زمان ایشان از (تقیه) بیرون آمدند و آزادانه مذهب و طریقه حقه خویش را اعلام داشته و طبق آن عمل می نمودند و اساساً خود دیلمیان از شیعیان واقعی و دوستان آنان و طرفداران سرسخت اهل بیت بشمار میرفتند .

در همین ایام عده ای از صلحا و عباد شیعی مذهب شیراز بجهتجو پرداختند و در راه پیدا کردن مرقده مطهر احمد بن موسی (ع) که تا آن زمان به (سیدالسادات) ملقب بود سعی ها کردند و فعالیت ها نمودند و با اینکه از طرف دربار سلطنتی بآنها

۱- ولی صاحب منتخب التواریخ مینویسد که شاهزاده احمد از بغداد با سه هزار نفر خارج شد و سه هزار نفر هم از اقوام و عشایرش همراه بودند که جمعا شش هزار نفر میشدند و حاکم قم بالشکر زیادی بچنگ آوردت .

کمک میشد و در این راه مقدس باندازه کافی و مکفی تقویت میشدند متاسفانه هر چه بیشتر می‌جستند کمتر می‌افتند .

در این گیر دار پیرزن صالحه و سالخورده ای نزد **عضدالدوله** دیلمی سلطان فارس آمد و گفت در نزدیکی خانه من تپه‌ای است که نیمه شبها چراغی در آن روشن میشود و نورش بسوی عالم بالا می‌رود و تا صبح چنین است گاهگاهی که برای کشف حقیقت آن می‌روم اثری از نور نمی‌بینم و باز بر میگردم مجددا نور را همچون مشعل فروزانی روشن می‌بینم .

وزراء این مطلب را از پیرزن حمل بر توقعات مادی نمودند و چنین گفتند که پیر زن میخواهد باین وسیله استفاده مادی کند یکی دو مرتبه پیر زن آمد و رفت ولی بگفته‌اش ترتیب اثر ندادند

يك شب **عضدالدوله** آن پادشاه بـ **سك** سرشت و دیندار از نصر پادشاهی بنگلبه محقر پیر زن آمد و برای کشف واقعیت آن نور از سر شب آنجا ایستاد تا اینکه کم کم بخواب رفت و در اثناء خواب پیرزن بمحض مشاهده تابش و تلاء نور دوید و بر بالین شاه آمد سه مرتبه فریاد زد (شاه-چراغ) یعنی **ای شاه چراغ** روشن شد **عضدالدوله** بیدار گشته نور را بچشم خود مشاهده نمود بطرف آن رفت و لسی بمحض رسیدن بمحل - نور خاموش شده بود تا صبح این کار را تکرار کرد و چون چیزی دستگیرش نشد مجددا بکاخ سلطنتی باز گشت شیخ عقیف الدین که یکی از عباد و زاهد و تارکین دنیا بود آنشب خواب دیده بود که بزینت **احمد بن موسی** مشرف میشود چون صبح شد خواب خود را برای شاه نقل کرد - باتفاق بمحل مزبور رفتند غاری در آنجا بود و قبری ۰۰۰۰ در کنار قبر یعنی کنار جسد **يك** لوح و **يك** انگشتر یافتند معلوم شد که جسد متعلق به **احمد بن موسی** (ع) است جسد را با احترام و تجلیل هر چه تمام تر بخاک سپردند و تعطیل عمومی اعلام شد بدنبال تعطیل جشن مفصلی گرفته شد و تا سه روز نقاره سلطنتی را می‌نواختند .

انگشتر مدتی در خزانه سلطنتی **عضدالدوله** بود ولی مفقود شد و موجب ناراحتی فوق‌العاده **عضدالدوله** گردید . مجددا شیخ عقیف الدین در خواب دید که از طرف **احمد بن موسی** تاجی از مو به **عضدالدوله** اهداء میشود آن تاج نیز بوسیله شیخ عقیف الدین در غار پیدا شد والله اعلم (۱)

۱- قیام سادات علوی - بحر الانساب پورد کنی .